کبوترخانه ها جاذبه فراموش شده گردشگری اصفهان

«به باور من، ایران کشوری است که بهترین کبوترخانه های جهان در آنجا ساخته می شود ... این کبوترخانه های عظیم، شش بار بزرگ تر از بزرگ ترین پرورشگاه های پرندگان ماست. در پیرامون اصفهان بیش از ۳ هزار کبوترخانه شمرده اند. برخی از این برجها گاه تا ۱۴ هزار کبوتر در خود جای داده اند.» این گفته ژان شاردن سیاح فرانسوی است که در زمان صفویه به اصفهان سفر کرده بود. با گذشت ۴۰۰ سال، تعداد کبوترخانه های اصفهان از ۳ هزار به حدود ۳۰۰ باب کاهش یافته و از این تعداد تا سال گذشته ۶۵ کبوتر خانه در فهرست آثار ملی میراث فرهنگی و گردشگری ثبت شده است. می توان گفت آنچه امروزه از عظمت و وفور کبوترخانه باقی مانده، بیشتربقایای مخروبه و نیمه مخروبه است که در دشت های اطراف منطقه اصفهان خودنمایی می کند.

کبوترخانه های منطقه اصفهان را به واسطه تعداد، معماری و کاربرد نمی توان با هیچ جای ایران مقایسه کرد. برخی محققان کبوترخانه ها را شاهکار معماری دوره صفویه می دانند و معتقدند نخستین نمونه کبوترخانه ها در زمان شاه عباس به وجود آمد. الیزابت بیزلی جها نگرد انگلیسی می گوید: احتمال دارد پیشنهاد ساخت این برج ها به وسیله معماران ارمنی جلفای آذربایجان به شاه عباس داده شده باشد. گرچه ابن بطوطه هم در سفرنامه اش که قدیمی ترین منبع موجود در این باره است، سخن از کبوترخانه های اصفهان به میان آورده، اما به نظر می رسد رونق کبوترخانه ها و شکوفایی معماری آنها از دوره صفویه، مقارن رونق گرفتن کشاورزی و سایر هنرها در اصفهان آغاز شده باشد. در حال حاضر، بیشترین نام و نشانی از کبوترخانه های اصفهان را باید در نوشته های جهانگردان و سفرنامه نویسانی که زمان صفویه به اصفهان سفر کرده اند، سراغ گرفت.

در مقابل، به نظر می رسد روند تخریب برج های کبوتر و سهل انگاری در نگهداری آنها نیز همانند سایر بناها از زمان قاجار در اصفهان آغاز شده است. یکی از خارجیانی که در این عصر اصفهان را دیده از اهمال و سهل انگاری در نگهداری این برجها اظهار تأسف کرده و به اهمیتی که فضولات این کبوتران برای مزارع داشته اند اشاره می کند. هم اکنون در منطقه

در ایران رسم است که عمارت بلند جشمه در صحرا می سازند و آن خاصه برای کبوتران است، موسوم به برج کبوتر. از نظرتاریخ علم و معماری نیز این بناها قابل مطالعه و تأمل هستند

شرق اصفهان بیشترین تعداد برج های کبوتر دیده می شود و آن هم به علت وجود دشت های گسترده و کشت غلات در این منطقه بوده است. پس از آن، در منطقه باغ کومه در غرب اصفهان شاهد بیشترین برج های کبوتر هستیم که از نوع چند قلوبند. عباس بهشتیان و باقر آیت الله زاده شیرازی در نشریه اداره کل جهانگردی استان اصفهان به ۵۰ برج کبوتر در منطقه گورت (شرق اصفهان) اشاره می کنند. آنها همچنین به دهکده چهاربرج در ۳۰ کیلومتری جنوب اصفهان اشاره کرده اند که یکی از برج های کبوتران، متعلق به سرهنگ زاهدی نزدیک به ۱۰ هزار کبوتر داشته است.

● برج کبوتر چیست؟

در ایران رسم است که عمارت بلند چشمه در صحرا می سازند و آن خاصه برای کبوتران است، موسوم به برج کبوتر. از نظرتاریخ علم و معماری نیز این بناها قابل مطالعه و تأمل هستند. در این بناها که زیبایی و کارآمدی آنها چنان به هم آمیخته است که جدایی ناپذیر به نظر می آیند، ازعلومی همچون فیزیک، ریاضیات، جانورشناسی، روان شناسی جانوری و آب و هواشناسی و غیره استفاده شده است. این کبوتر خانه ها به خاطر تنوع بسیار در شکل و اندازه و تکرار موزون آنها و هماهنگی شان با طبیعت و زیبایی های اطراف و به ویژه بافت و فضاهای اعجاب آور و هماهنگ درونی می تواند یکی از جاذبه های نادیده انگاشته جهانگردی در اصفهان به شمار آید. جمع آوری فضولات کبوتران به عنوان کود، دور کردن کبوتران از مزارع برای جلوگیری از آسیب رساندن به مزارع و شکار و استفاده کردن از گوشت آنها از اهداف ساخت این نوع بناها در گذشته بوده است. قسمت عمده این فضولات در حاصلخیزی زمین های زراعتی و مقدار کمی هم در دباغی به مصرف می رسیده است. این مواد در زندگی اقتصادی زارعان محلی نقش مؤثری داشته است و به همین علت کبوتران نزد آنها کم و بیش مقدس بوده اند.

ساخت کبوتر خانه را می توان به نوعی شاهکاری هنری دانست. کبوتر خانه ها را در مناطقی بنیان می نهادند که از اقلیمی کویری بهره مند بود. ومصالح و روش ساخت آنها نیز متأثر از شرایط محیطی بود. بافت معماری کبوترخانه ها که از گل رس و کاه و نمک تشکیل می شد در برابر سرما و گرما مقاوم بود و عایقی حرارتی و در عین حال صوتی محسوب می شد تا آرامش کبوتران اندرون کبوترخانه را تأمین کند.

غالب کبوتر خانه ها به واسطه بهره گیری از حد اکثر فضا به شکلی استوانه مانند ساخته می شدندتا لانه های بیشتری را در خود جای دهند. طراحی ورودی به اندازه ای بود تا کبوتران را به داخل پذیرا باشد و میهمانان ناخوانده را به اندرونی راهی نباشد و در عین حال بدنه کاهگلی مانع از زاد و ولد حشرات موذی چون ساس و کنه می شد. برای استحکام هر چه بیشتر، درون را با تیرچه های متقاطع مسلح و سطح بیرونی را ساروج اندود تا مانع از فرسایش محیطی شود. در بخش میان تهی بالای کبوتر خانه، نیز دریچه هایی برای تبادل حرارتی و آمد و شد جریان هوا به داخل کبوتر خانه تعبیه می شد که قرابتی بسیار با بادگیرهای استان های کویری ایران دارد. در میان کبوتر خانه نیز چاهی حفر می کردند تا در صورت نزدیک نبودن آبگیر، جوی و رودخانه به عنوان منبع تأمین آب شرب کبوترها استاده شود.

زراعت گسترده در دشت های وسیع منطقه اصفهان شاید دلیل مهم ایجاد کبوترخانه ها بود. از آنجا که کبوتر میل به آشیانه سازی در ارتفاع دارد، نبود عوامل طبیعی چون جنگل، کوه و صخره در اصفهان و نواحی مرکزی، ایجاد کبوترخانه هایی که تنها محل لانه گزینی کبوتر باشد را ایجاب می کرد. از سویی، این بهترین فرصت برای کشاورزان بود، که از محل فضولات کبوتران بهترین و مناسب ترین کود را برای محصولات خود فراهم کنند. کشاورزان فضله کبوتر را با خاکستر و خاک مخلوط کرده، برای کشت و زرع به کار می بردند. در گذشته ها کشاورزان فضله ها را به شکل قالبی مکعب آجری درآورده و هر قالب را یک تا دو قران می فروختند. ۴۰ سال قبل نیز هر کیلو کود کبوتر هفت ریال ارزش داشت و در اوایل قرن ۱۹ نیز هر ساله یک برج کبوترخانه نزدیک به ۱۰۰ تومان درآمد داشت. صاحبان کبوتر خانه ها ۳ ماه یک بار برای جمع آوری فضولات داخل کبوتر خانه ها می شدند و کود حاصل را جمع آوری می کردند. در منابع آمده است که کود جمع آوری شده برمبنای آمار کبوتران موجود در کبوتر خانه که گاهی به بیش از ۷ هزار جفت بالغ می شد، نزدیک به ۷۰ هزار کیلوگرم در سال بود که عایدی ارزشمندی برای کشاورزان به شمار می رفت. مروری بر نوشته های مستشرقان و جهانگردان در طی ۳ قرن گذشته نشان می دهد که از حدود ۷۰۰ سال قبل، برج های کبوتر در اصفهان خرید و فروش می شده و حتی صاحبان آنها به علت درآمد قابل توجهی که از این برج ها عایدشان می شد، همه ساله مبلغی به عنوان مالیات به دولت های وقت پرداخت می کردند، با تغییرات زندگی انسان ها در ۱۰۰ سال گذشته، کم کم کبوترخانه ها نیز جایگاه پیشین خود را از دست دادند. مالکیت این برج ها که بیشتر موروثی و برخی متعلق به حاکم بود، با تغییرات ایجادشده در وضعیت کشت و کار بی معنی شد، زمانی برج ها خرید و فروش می شدند اما با ورود کودهای شیمیایی ارزان تر و سهل الوصول تر، دیگر جایی برای کبوترخانه ها و تحمل زحمت جمع آوری فضله و تهیه کود از آنها باقی نماند، گسترش شهرها باعث شد اطراف کبوترخانه ها مسکونی شود که این مسأله باعث فراری شدن کبوترها و عدم رغبت آنها به آشیانه سازی در برج ها شد. همچنین زمین های زراعی که مسکونی شدند، کبوترها نیز مهاجرت کردند یا طعمه شکارچیان شدند. در اواخر دوره قاجاریه، شکار بی رویه کبوتر یکی از تفریحات حاکم اصفهان بوده که این خود از عوامل کاهش تعداد کبوتر بود. به علاوه عدم رسیدگی به تعمیرات برج ها، نفوذ آب از صحراهای اطراف به پی برج ها و برف و باران و نداشتن شیب مناسب و ناودان های مربوط به بام برج آنها را ویران کرد.

ارنست هولستر در کتاب خود به قحطی سال ۱۸۷۰ - ۱۸۶۹ در اصفهان اشاره می کند که باعث شد تعداد زیادی کبوتر کشته و پراکنده شوند. او می گوید: بسیاری از کبوترخانه ها نیز در اثر اهمال در هم ریختند و خراب شدند. در شهر اصفهان، چشم آشنا ترین کبوترخانه هم اکنون در خیابانی به نام «برج» در جنوب اصفهان که زمانی دامنه کوه صفه بوده، واقع شده است.

منابع:
سایت تخصصی معماران
سایت کبوترخانه ها - کارگروهی دانشجویان معماری دانشگاه پردیس اصفهان
سفرنامه های جهانگردان خارجی

«شوپا»، نگهبان پرسروصدای جالیز

گزارها پیدا می کردند باغ خراب می شد، هم می خوردند هم لگدمال می کردند، دزدها هم بیکار نبودند، این بود که یک کشاورز بعد از کار روزانه شب ها جالیز را می پایید و به یک «شب پا» یا آنطور که در زبان محلی می گفتند «شوپا» تبدیل می شد.

روستاییان گلستان در قدیم هندوانه، خربزه و گوجه فرنگی را مستقلاً نمی کاشتند بلکه بذر آنها را همراه بذر پنبه پخش می کردند. در سال هایی که محصول خوب بود تمام سطح زمین زیر بوته های پنبه پر از هندوانه و خربزه می شد. سال بعد دیگر بذر هم نمی خواست، خودش سبز می شد.

نخستین کار لازم برای یک شوپا ساخت «تلار» بود که به دو صورت ساخته می شد. روی شاخه های درخت گردوی اطراف چند تخته را به هم وصل می کردند و نشیمنی در ارتفاع چند متری درست می شد که کاملاً به مزرعه و زمین های اطراف احاطه داشت. برای بالا رفتن از درخت نیز روی تنه آن جای پا درست می کردند یا با تکه های چوب که به درخت می کوبیدند نردبان می ساختند.

در زمین هایی که درخت نداشتند هم چهار کنده چوبی بلند را که از جنگل آورده بودند در زمین می کوبیدند و با چوب های نازکتر، آنها را از بالا به هم وصل می کردند. روی آن نیز تخته و کلش می ریختند و نردبانی نیز برایش درست کرده و بالای آن را با شاخه های درخت سرپناه می زدند. با ریختن سرشاخه و کاه هم آن را در مقابل باران غیرقابل نفوذ می ساختند. جالب آن که اکثر چفت و بست ها با پوست درخت یا کول انجام می شد نه با میخ.

شوپاها وسایلی هم داشتند از جمله پیت های حلبی یا به اصطلاح محلی «چلک». کاربرد آن چلک زدن دم غروب بود. شوپاها برای فراری دادن گزارها دم غروب چلک می کوبیدند که صدای طبل مانند آن علاوه بر گزارها دزدان را نیز فراری می داد.

صدای چلک زدن افراد با هم فرق می کرد. دمدمه غروب زمانی که قرص خورشید خورنرنگ به آرامی در انتهای افق فرومی رفت صدای ده ها چلک در دشت گرگان گویی اجرای مراسم آیینی خاصی را نوید می داد. دل ها از شادی لبریز می شد و آدم ها می دانستند در تاریکی که دقایقی دیگر فرامی رسد تنها نیستند.

غیر از چلک ها، «هاراسته» یا مترسک نیز از وسایل ضروری جالیز بود. مترسک را با تکه های چوب و کول و رخت های کهنه درست می کردند. به دست های مترسک نیز قوطی حلبی یا دو سنگ آویزان می شد که با وزش نسیم تکان می خورد و صدای آنها موجب ترس پرنده ها و گزارها می شد.

در مزرعه پنبه یا جالیز، غذای اصلی گوجه فرنگی بود. برای صبح گوجه فرنگی را با خیار یا «خیاری» درست می کردند. خربزه های کوچک، تازه و نرسیده را «خیاری» می گفتند و تا زمانی که شیرین نشده بودند به جای خیار مورد استفاده قرار می دادند.

هر روز صبح در خنکای هوا بعد از اتمام شوپا و قبل از رفتن به خانه گوجه چیده و داخل «پوط چلک» ریخته می شد حلب های ۱۷ کیلویی را پوط چلک می گفتند. رب ریختن با این گوجه ها مشکل بود چون باید تخم های آن جدا می شد. رب آن هم به قرمزی رب های امروزی نبود و تقریباً زردرنگ بود اما ترش و خوشمزه بود.

شب ها بالای درخت روی تلاری نسیم از سرشب وزیدن می گرفت و صبحدم سرد می شد. شوپاها طافباز روی تلار به آسمان پرستاره و نورافشانی مهتاب نگاه می کردند و با صدای جیرجیرک ها به خواب می رفتند تمامی آسمان و زمین هماهنگ بود و راه شیری به زیبایی در گوشه ای از آسمان خودنمایی می کرد.

هرچند وقت یکبار صدای «سران» شوپاگری سکوت شب را می شکست. به فریادی که از ته گلو می کشیدند سران می گفتند و سران هرکس با دیگران فرق می کرد. با شنیدن صدای سران از راه دور می شد آدم ها را شناخت. تمام صحرا پر از شوپاها بود.

با این حال با وجود آتشی که تمام شب زبانه می کشید صبح معلوم می شد گله گزارها در گذر از زمین چند هندوانه و خربزه را خورده یا لگدکوب کرده اند و شوپاها با دقت هندوانه های نیم خورده خوک های وحشی را چال می کردند.

فصل برداشت فصل شادی بود. ارابه ارابه هندوانه و خربزه به خانه می آمد، تمام ایوان خانه پر از هندوانه و خربزه می شد. هندوانه ها خیلی درشت نبودند اما شیرین بودند و پرتخم. خربزه ها هم محلی بودند قلنجی یعنی راه راه. هندوانه ها هم قلنجی داشت، هم سبز و هم پوست سیاه.

روزگار شوپاگری و شوپاگران دیری است که سپری شده. الاغ ها سال هاست که تبدیل به تراکتور شده و درخت های گردوی مزارع قطع و به مرکزنشینان فروخته شده اند.

فرش دستباف تبریز
فرش و تابلو فرش دستباف درجه یک تبریز، کاشان و اردکان از نقد تا اقساط ۲۴ ماهه
تسهیلات خرید فرش و تابلو فرش دستباف
تا سقف ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
فرعه کشی ۲۱ مهر ۸۶
۸۰٪ با اقساط ۱۲ ماهه
۲۰ دستگاه تلویزیون رنگی سونی
۲ دستگاه تلویزیون سونی ۶۰ و ۷۰ اینچ پلاسما
شرکت سهامی فرش و گلیم
آدرس فروشگاه‌های زنجیره‌ای شرکت سهامی فرش و گلیم:
● فروشگاه مرکزی: تهران- خیابان ولیعصر - تقاطع طالقانی
● فروشگاه شماره ۲: تهران- خیابان طالقانی - روبروی سینما قیام
● فروشگاه شماره ۳: شمیران- سعادت آباد- خیابان علامه شمالی
● فروشگاه شماره ۴: مشهد مقدس- مرکز تجاری العباس شرق
● فروشگاه شماره ۵: شمیران- خیابان ولیعصر- بین مسجد بلال و جام جم
● تا یکسال پس گرفته می شود. ● جمعه‌ها فقط تا ساعت ۱۲ باز است.
کلیه فرش های فروخته شده تحت پوشش بیمه آسیا می باشد.

تلفن: ۱۲۴ آبفای شهرستان کرج پل ارتباطی با مردم
آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
(شماره ۷۴/س ج/۸۶)
نوبت دوم
شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران در نظر دارد اجرای عملیات اصلاح شبکه آب ۵ماهشهر به طول ۷۷۳۵ را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید.
برآورد پروژه: مبلغ برآورد براساس فهرست بهاء شبکه توزیع آب سال ۱۳۸۵، مبلغ ۵۷۳۳۰۵۵۱۰۷۹ ریال می‌باشد.
مدت اجرای پروژه: ۴ (چهار) ماه از تاریخ صورت مجلس تحویل محل می‌باشد.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۳۶۰۰۰۰۰۰ ریال می‌باشد به صورت واریز نقدی به حساب شرکت و یا چک بانکی تضمین شده و یا ضمانتنامه بانکی می‌باشد.
مهلت تحویل اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۳ روز چهارشنبه مورخ ۸۶/۵/۱۷ و محل تحویل اسناد اداره دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران می‌باشد.
تاریخ بازگشایی پاکات: ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۸۶/۵/۲۴ خواهد بود.
قیمت فروش اسناد مناقصه: مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال واریزی به حساب ۴۸۰۵۷۲۳۵ بانک تجارت شعبه مرکزی کرج (به نام آب و فاضلاب غرب استان تهران)
به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
هزینه درج دو نوبت آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.
داوطلبان می‌توانند به منظور دریافت اسناد مناقصه حداکثر ظرف مدت یکهفته از انتشار آگهی نوبت دوم با در دست داشتن معرفی‌نامه به امور بازرگانی و قراردادهای شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران واقع در کرج- انتهای بلوار شهید چمران- ساختمان شماره یک- طبقه همکف مراجعه نمایند.
تلفن تماس امور بازرگانی و قراردادها ۰۲۶۱-۲۲۳۴۷۷۱
شرکت آب و فاضلاب غرب استان تهران - سهامی خاص